

شناسایی و ارائه راهکارهایی به منظور رفع موانع و چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی با رویکرد تطبیقی

محمد جواد محقق‌نیا^۱

سید احمد ابراهیمی^۲

محیا بائی^۳

پیمان نوری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

صنعت بانکداری با تجهیز پس اندازها و هدایت آنها به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی، نقش مهمی در اقتصاد جوامع ایجاد می‌کند، گذشت سی سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا فرصت مناسبی برای ارزیابی نظام بانکی است. بررسی ابعاد نظری و کارکردی نظام جدید نشان می‌دهد خلاها و اشکالات فراوانی وجود دارد که می‌توان با اصلاح و تکمیل آن، گام‌های مؤثری در کارآمد کردن نظام بانکداری برداشت. باید توجه داشت که نظام بانکداری اسلامی به عنوان یک واقعیت در حال توسعه دیده شود، این تجربه باید به صورت بی‌طرفانه مورد ارزیابی قرار گیرد و مشکلات آن به دقت بررسی شود تا رشد و شکوفایی این دستاورد عظیم استمرار یابد. در پژوهش حاضر سعی بر آن است که به بررسی جامعی از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام بانکداری اسلامی در ایران با استفاده از تجربه کشورهای مختلف پرداخته شود و راهکارهایی برای رفع مشکلات ذکر گردد و در نهایت الگوی تفکیک بانک‌ها از مؤسسه‌های قرض‌الحسنه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری را برای اقتصاد ایران پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: بانکداری بدون ربا، ارزیابی نظام بانکی، مؤسسات قرض‌الحسنه

طبقه بندی JEL: E59, G21

-
۱. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی Mgmohagh@yahoo.com
 ۲. کارشناس ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی Ahmadebrahimi20@yahoo.com
 ۳. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی baei.mahya@gmail.com
 ۴. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه غیرانتفاعی عدالت، تهران

مقدمه

بانک‌ها به عنوان یکی از ارکان اصلی بازار پول و نیز بزرگترین و با اهمیت‌ترین نهادهای فعال در این بخش، دارای نقش واسطه‌گری مالی هستند. این نقش در اقتصادهای بانک‌پایه، به مراتب بسیار مهم‌تر است. تاریخ بانکداری، به مفهوم و سیع آن، اگر به قرن‌های پیش از میلاد مسیح نیز باز گردد همواره با بی‌ثباتی و ورشکستگی بانکدارانی همراه بوده است که با استفاده از اعتماد عمومی و دسترسی رایگان و یا ارزان به منابع، اقدام به وام‌دهی فراتر از خلق پول کرده‌اند. (داودی و محقق‌نیا ۱۳۸۷). در اقتصاد اسلامی نقش واسطه‌گری با حفظ اصول و موازین شرعی بر عهده بانک‌های اسلامی است. بانک اسلامی یک موسسه پولی و مالی تعریف شده است که ربا دریافت و یا پرداخت نمی‌نماید و با توجه به نقش واسطه‌گری مالی و بر مبنای عدالت به ارائه خدمات بانکداری و مالی، تجهیز و تخصیص منابع مطابق با اصول شریعت می‌پردازد (آجلونی، ۲۰۱۲، ص ۲۱۰). بانک اسلامی وجوه نزد خود را (بدون وام دادن یا بهره) در فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بر اساس مشارکت در سود به کار می‌گیرد و در صورتی که فعالیت مورد نظر زیان‌کننده، بانک نیز همانند سایر شرکاء در زیان سهیم خواهد بود (اوبادا، ۲۰۰۸، ص ۲۷). تفاوت‌های دو نوع بانکداری ربوی با غیر ربوی عمدتاً در مسئله تجهیز منابع و اعطای تسهیلات می‌باشد. در همه عملیات بانکی دو عمل تجهیز منابع و مدیریت مصارف از جمله اصلی‌ترین عملیات بانکی است که بانک را به صورت یک واحد مالی از دیگر واحدهای اقتصادی متمایز می‌کند. نظام بانکداری بدون ربا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بانک‌های اسلامی همانند سایر بانک‌ها، از یک طرف با سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها می‌شوند. از طرف دیگر، با تجهیز پس‌اندازهای خرد و کلان و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی، زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می‌آورند (شعبانی، رستخیز، ۱۳۹۱). بانکداری اسلامی در سال ۱۹۷۵ با ایجاد بانک اسلامی دبی در امارات متحده عربی و بانک توسعه اسلامی در عربستان سعودی معرفی گردید. همچنین در دهه ۱۹۸۰ حرکت‌های وسیعی در سایر کشورهای اسلامی برای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی صورت گرفت. با این تفاوت که این کشورها به جای جایگزینی کلی نظام بانکداری متعارف مبتنی بر نرخ‌های بهره، درصد برآمدند تا بانکداری اسلامی را به عنوان گزینه‌ای در کنار آن قرار دهند. این امر در نهایت تسهیل‌اشاعه بانکداری اسلامی را در کشورهای اسلامی سبب گردید (حسین‌زاده، ۱۳۹۰). بانکداری اسلامی، به نحو فزاینده‌ای در حال رشد و نمو در بطن سیستم‌های مالی و بانکی غرب و شرق است، به نحوی که امروزه نه تنها در کشورهای دارای اکثریت مسلمان، بلکه در کشورهای غیراسلامی نیز شاهد حضور پررنگ و موفق بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی هستیم. با این همه پتانسیل‌های عظیمی برای فعالیت و خدمات‌گسترده‌تر

بانک های اسلامی در سراسر نقاط جهان وجود دارد که بلا استفاده و بکر باقی مانده است و عامل اصلی عدم شکوفایی و بالفعل شدن این پتانسیل ها هم عدم آشنایی کافی سیاستگذاران و اقتصاددانان جهان با مزایای بانکداری اسلامی است (سوله^۱، ۲۰۰۷). رفتارهای اقتصادی در جوامع اسلامی، به طور کلی از لحاظ مشابهت با رفتار های اقتصادی در دیگر جوامع بشری، در بسیاری از موارد، دست کم از لحاظ ظاهر، چندان متفاوت به نظر نمی رسد. لکن از لحاظ محتوایی، در محیط اسلامی رفتارهای اقتصادی به گونه ای است که نه تنها این رفتارها بر خلاف احکام و موازین اسلامی نمی تواند باشد بلکه با آنها نیز نباید تعارض داشته باشد (مهدوی نجم آبادی، ۱۳۸۲). بانکداری متعارف، تمام تقاضاهای مصرفی خانوارها و سرمایه گذاری بنگاه های اقتصادی را با قطع نظر از اینکه متقاضی، تسهیلات را برای چه نوع نیازی لازم دارد از راه وام با بهره پاسخ می دهد، در حالی که بانکداری اسلامی برای هر نیاز ابزار خاصی دارد که اعطای تسهیلات براساس آن انجام میگردد و مزیت اصلی بانکداری اسلامی نیز در همین نکته نهفته است (موسویان، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت موضوع بانکداری اسلامی هدف پژوهش حاضر شناسایی و ارائه راهکارهایی به منظور رفع موانع و چالش های پیش روی بانکداری اسلامی در ایران است بدین منظور پس از مرور جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام و اهمیت آن، و تشریح بانکداری بدون ربا ایران، به بررسی مشکلات و نارسایی های ساختار فعلی بانکداری بدون ربا ایران می پردازد و با استفاده از تجربه موفق کشورهای مختلف در زمینه بانکداری اسلامی، راهکارهای پیشنهاد می گردد. و در نهایت به تشریح الگوی تفکیک بانکها از مؤسسه های قرض الحسنه و شرکت های سرمایه گذاری می پردازد و این الگو را برای اقتصاد ایران پیشنهاد می گردد.

جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام

مسلمانان در صدر اسلام دارای نوعی بانکداری و نظام سرمایه گذاری بودند که در اواسط سده هشتم هجری توسعه نسبتاً زیادی یافته بود و در آن، انواع ابزارهای پولی مانند چک، حواله و سفته رواج داشت. خدمات بانکی، از جمله مبادلات پولی نیز توسط بانکداران انجام می گرفت و فعالیت های سرمایه گذاری به صورت مستقیم و بر مبنای تسهیم سود و زیان تامین مالی می شدند. هم علما و هم بانکداران مسلمان بر این نکته واقف بودند که بر اساس احکام اسلام، سپرده گیرنده نمی تواند سپرده را به هر شکل که بخواهد، مورد استفاده قرار دهد. این نکته با مفهوم سپرده در غرب، که در آن سپرده گیرنده نه تنها اشیای سپرده شده را نگهداری می نمود، بلکه می توانست برای مقاصد تجاری مورد استفاده قرار دهد، متناقض است، زیرا برداشت اسلام از حقوق مالکیت باعث می شود

که محدودیت‌های شدیدی برای استفاده از اموالی که نزد شخص به امانت گذاشته شده، اعمال شود (والی نژاد، ۱۳۸۲). واضح است که اسلام، بانک سرمایه‌داری را تایید نمی‌کند زیرا:
اولاً: با احکام دین اسلام و قانون مدنی فقه اسلامی که قرض ربوی را حرام کرده است، تناقض دارد.

ثانیاً: با اساس نظام اقتصادی اسلام و روح حاکم آن در توزیع عادلانه ثروت و به کارگیری آن در جهت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام مبیانت دارد.

به همین خاطر ایده بانک بدون ربا به منظور پیاده نمودن الگوی بانک اسلامی مطرح شد. این ایده به خاطر ذهنیات منفی‌ای که در جامعه اسلامی در مورد تبعیت و الگو برداری از واقعیت فاسد و نگاه پلید انسان غربی به زندگی و نهادهای اجتماعی آن وجود دارد، ابتدا غریب بود. چرا که در این شرایط اساس مکتب اقتصادی اسلام و روح حاکم بر آن را در واقعیت بانک بدون ربا پیاده نمی‌شود. گرچه حکم تحریم ربا به شکل یک قانون در بانک بدون ربا وضع می‌شود، اما از آنجا که این بانک در جامعه‌ای غیر اسلامی واقع می‌شود، روح و اساس مکتب اقتصادی اسلام در پیکره بانک وارد نمی‌شود. تنها اگر روح کلی اسلام به باطن قالب قراردادها وارد شود و فضای عمومی آنها را متأثر کند و اقتصاد اسلامی به صورت کامل در تمامی جوانب زندگی پیاده شود، آن‌گاه نظام اقتصادی اسلام در نتیجه ارتباط بین اعضایش به اهداف خود می‌رسد و نتایج مطلوب خویش را به ثمر می‌دهد. پس نظام اسلامی یک کل واحد است که اجزاء آن با یکدیگر مرتبط هستند. چنین بانکی بخشی اصلی در طرح کامل اقتصاد در جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و تنها به معنای رفع کردن نقصان‌های بانک سرمایه‌داری نیست، بلکه اساساً با آن متفاوت است (صدر، ۱۳۸۹). در نتیجه در جامعه اسلامی رسالت اصلی بانک‌ها، تجهیز و تخصیص منابع پولی است و در نظام اقتصادی اسلام می‌توانند عملیات همچون؛ ارزیابی خدمات بانکی، انجام مبادلات ارزی، سرمایه‌گذاری مستقیم، ایفای نقش واسطه در بازار ثواب، ایفای نقش واسطه در بازار مشارکت سرمایه‌نقدی را انجام دهند. (قلیچ، ۱۳۸۹).

اهداف بانکداری اسلامی

اهمیت نقش بانک در عرصه کنونی واضح است و یکی از نقش‌های آن هم واسطه‌گری مالی بین پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران است. این نقش می‌تواند اهمیت شایانی در کمک به تبدیل سرمایه‌داشته‌ها به بیانی دیگر، وظیفه اساسی بانک‌ها، تجهیز و تخصیص پول و متفرعات و اوراق جایگزین آن است که با قبول سپرده‌ها و دادن وام عملی می‌گردد. این نقش، ضرورتی حیاتی برای شکوفایی و رشد اقتصاد جامعه و ادامه حیات بالنده آن است و نکته اساسی در این رابطه هم کیفیت ایفای این نقش است. بانک اسلامی، موسسه‌ای پولی و مالی است که سعی دارد تا با

استفاده از عقود اسلامی و قراردادهای مورد رضایت اسلام، معاملات مورد انتظار از نهادی به نام بانک را ارائه دهد و در عین حال، جنبه‌هایی مانند عدالت و اخلاق اسلامی را نیز مورد توجه قرار دهد. به تعبیر دیگر، در بانک اسلامی، قراردادها بر اساس حقوق اسلامی تنظیم می‌شوند (قلیچ، ۱۳۸۹). بانکداری اسلامی بر تقسیم ریسک، دادوستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار، اجاره و قراردادهای ساختمانی با استفاده از عقود مختلف شرعی استوار است، همچنین بانکداری اسلامی با مدیریت دارایی به منظور افزایش درآمد عمومی است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام پروژه‌ها یکی از اهداف بانکداری اسلامی است (طاهری، ۱۳۸۵).

اسلام مخالف اندیشه بانک و بانکداری اسلامی نیست، البته مادامی که مخالف کتاب و سنت و ارزش‌ها نباشد، بلکه مخالفت اسلام با بانکداری ربوی مبتنی بر نرخ بهره است (زرندی، ۱۳۹۰). اهداف کلی بانکداری اسلامی عبارتند از: (فراهانی، ۱۳۷۷).

۱. استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل، به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور؛

۲. فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی؛

۳. ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه، از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها، و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین امکانات کار و سرمایه‌گذاری؛

۴. حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی؛

۵. تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌ها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون به عهده بانک گذاشته می‌شود. همچنین موارد متعدد دیگری نیز در این قانون تحت عنوان وظایف نظام بانکی آمده است. (مانند: انتشار اسکناس، تنظیم و کنترل گردش پول و اعتبار، انجام عملیات بانکی ارزی و ریالی و...).

رشد بانکداری اسلامی و موفقیت آن

ایده بانکداری و تأمین مالی اسلامی که نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد و اکنون دست کم یکصد نوع گوناگون دارد (سارکر^۱، ۲۰۰۴)، بر یک اصل کلی استوار بوده و آن تحریم رباست. تحریم ربا اصلی کلی است که نه تنها شریعت اسلام در آیه‌ها و روایت‌های متعدد آن را نفی کرده، بلکه

دیگر ادیان بزرگ مانند: مسیحیت، یهودیت و آیین هندو (که همراه با اسلام چهار مذهب نخست جهان را تشکیل می‌دهند) نیز آن را رد می‌کنند (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹، ویلسون، ۱۹۹۷). در چهل سال اخیر، جهان شاهد شکل‌گیری و شکوفایی صنعت بانکداری و مالیه اسلامی، در کشور های اسلامی و غیر اسلامی بوده است. در سال ۱۹۶۳ بانک های پس انداز اسلامی در مصر تاسیس شدند و پس از آن دولت مصر اصرار کرد قوانین بانک های تجاری بر این بانک نیز اعمال گردد. در سال ۱۹۶۸ بانک پس انداز های مصر تعطیل شد و به جای آن در سال ۱۹۷۱ بانک اجتماعی ناصر به عنوان یک موسسه اسلامی تاسیس گردید (تقی‌زاده، ۱۳۹۱). شروع واقعی کار بانک های اسلامی به سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد در این سال قیمت نفت افزایش یافت از آن پس تاکنون بانک های اسلامی در میان کشورهای عربی، پاکستان، ایران و آسیای جنوب شرقی گسترش یافتند. بانک اسلامی دبی در سال ۱۹۷۵ و خانه تامین مالی کویت در سال ۱۹۷۷ تاسیس شدند، همچنین بانک اسلامی فیصل مصر و سودان توسط شاهزاده محمد بن فیصل سعودی در سال های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ راه اندازی شدند. کشور انگلیس نخستین کشور غربی است که به تاسیس بانکداری خرد بر اساس قوانین اسلام اقدام نمود. (تقی‌زاده، ۱۳۹۱). علاوه بر خاورمیانه، در مالزی، فیلیپین و هند نیز بانک های اسلامی گسترش یافتند. سپس دامنه فعالیت بانک ها و موسسات مالی اسلامی به اروپا نیز رسید و در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بانک ها و موسسات مالی اسلامی کوچکی در لوکزامبورگ، سوییس، دانمارک و حتی آفریقای جنوبی و استرالیا نیز مشغول به کار شدند (ادواردز، ۱۳۸۵). چنین استدلال می‌شود که مقبولیت سیستم بانکداری اسلامی تنها به بانک های اسلامی محدود نمی‌شود. بانک های تجاری بین‌المللی بزرگ به سیستم بانکداری اسلامی علاقه مند شدند و برخی بانک های اروپایی محصولات مالی اسلامی ارائه می‌دهند که بوجه های اسلامی نامیده می‌شوند مانند بانک سرمایه گذاری اچ اس بی سی^۲، شرکت های بانکداری سوئیس، شرکت سرمایه گذاری حلال دو سوئیه، شرکت بین‌المللی البرکه تاسیس شدند (عبدالرحیم ۲۰۱۰) همچنین بانک اسلامی بریتانیا با تصویب اف اس ای آدر سال ۲۰۰۴ تاسیس شد (تقی‌زاده، ۱۳۹۱). با وقوع بحران مالی اخیر در جهان و سر بلند بیرون آمدن بانک های اسلامی از این آزمون سخت و مهلک، نگرش جهانیان نسبت به بانکداری و مالیه اسلامی دگرگون شده است. کارشناسان و صاحب نظران دنیای بانکداری اکنون دریافته اند که بانک های اسلامی به واسطه پیروی کردن از یک سری اصول و معیارها، توانسته اند بر پاره ای از مشکلات و نقاط مبهم که از دیرباز در صنعت بانکداری جهان وجود داشته است، فایق آیند و محیط اقتصادی و مالی با ثبات و مستحکمی را پدید آورند. وجود

-
1. mills & Presley, wilson
 2. hsbc
 3. fsa

اصولی چون ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره (ربا) و مشارکت در سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری موجب شده است تا هم بانکداری اسلامی به یک مدل ویژه و منحصر به فرد بانکی در دنیای امروز بدل شود و هم گامی اساسی در جهت شکل‌گیری و تقویت آرمان‌هایی چون اقتصاد واقعی و بانکداری اخلاق‌گرایانه برداشته شود. به دلیل وجود همین مزایا و مطلوبیت‌هاست که در حال حاضر بانکداری اسلامی با حضور در ۷۵ کشور، بخش چشم‌گیری از چشم‌انداز جهانی اقتصادی را شکل می‌دهد و در میان کشورهای مختلف ایران، مالزی، عربستان و امارات متحده عربی بیشترین دارایی‌های منطبق بر شریعت را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، پس از بحران مالی و اقتصادی در جهان بسیاری از کارشناسان اقتصادی در کشورهای با اقتصاد آزاد بر این باورند که بانکداری اسلامی با داشتن ویژگی‌های منحصر بفرد خود می‌تواند جایگزین مطمئن و خوبی برای بانکداری متعارف باشد. (محقق نیا و همکاران، ۱۳۹۳). از نظر تاریخی، رشد بانکداری اسلامی ناشی از نیاز مشتریان خرده‌پایی بود که می‌خواستند به گونه‌ای وام بگیرند و سرمایه‌گذاری کنند که منطبق بر اعتقادات آن‌ها باشد. بانکداری اسلامی طی زمان به همراه افزایش جمعیت و رشد اقتصادی و افزایش تقاضا برای راه‌حل‌های منطبق با شریعت، گسترش یافت، ولی قسمت عریضه نیز در این زمینه نقش به‌سزایی داشت، افزایش موسسات خدمات مالی ارائه‌دهنده بانکداری اسلامی سطح آگاهی مشتریان را بالا برده است ولی در عین حال بر تراکم رقابت بازار نیز افزوده است (سپهری، ۱۳۸۸). علاوه بر رشد دامنه جغرافیایی تامین مالی اسلامی، رشد و گسترش این پدیده بر دامنه وسیعی از فعالیت‌های مالی، از بانکداری خرده‌فروشی گرفته تا بیمه و سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه نیز بسیار زیاد بوده است. ولی شاید بی‌سابقه‌ترین رشد آن ناشی از ارائه و رشد صکوک (قرضه اسلامی) باشد که متداول‌ترین اوراق بهادار تامین مالی در این حرفه است. بانکداری اسلامی به دلایل گوناگون کارایی بیشتری را به ارمغان آورده است، بنابراین به منظور دستیابی به رشد و توسعه مناسب‌تر است. توجه شود که می‌توان مزیت‌های دیگری مانند عدالت، جامعیت و پایداری را نیز برای نظام بانکداری اسلامی تصور کرد (الجرحی^۱، ۲۰۰۲). تحت نظام تامین مالی اسلامی، دامنه نوسان‌های تمام مراحل یک دوره اقتصادی (چه رکود و چه رونق) کوتاه‌تر خواهند بود، که این خود به معنای ثبات بیشتر در این ساختار است (چیشتی^۲، ۱۹۸۵). سهم و سرعت رشد نظام بانکی و مالی اسلامی در سال‌های اخیر بسیار بیشتر شده است به طوری که براساس گزارشات صندوق بین‌المللی پول، هم‌اکنون بالغ بر ۳۰۰ بانک و نهاد مالی اسلامی در بیش از ۷۵ کشور جهان مشغول فعالیت هستند. همچنین ارزش تقریبی بازارهای مالی اسلامی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که این

1. Al- jarhi

2. chishti

رقم به طور میانگین ۱۵ درصد رشد داشته است (کاراسیک و همکاران^۱، ۲۰۰۷). با این حال، قابلیت های فراوانی برای فعالیت و خدمات رسانی گسترده تر بانک های اسلامی در سرا سر نقاط جهان وجود دارد که از آن استفاده نمی شود. عامل اصلی عدم شکوفایی این پتانسیل ها هم نآ شنایی کافی سیاستگذاران و اقتصاددانان جهان با مزایای بانکداری اسلامی است. بدیهی است که هرچه آشنایی و درک سازمان های جهانی، دولت ها و نهاد های مالی کشورها، از نحوه عملکرد و مزیت های رقابتی و نقش آفرینی مثبت و غیر تورمی بانک های اسلامی بیشتر و بهتر باشد، بستر مناسب تری برای گسترش فزاینده این الگوی بانکی اخلاق گرا فراهم خواهد شد (سوله، ۲۰۰۷). تقریباً تمام مسلمانان با مذاهب گوناگون بر سر موضوع تشکیل نظام مالی و بانک اسلامی توافق دارند. چنین توافق فراگیری بر سر کمتر مسئله ای در جهان اسلام مشاهده شده است. این توافق می تواند یک نقطه آغاز و محور وحدت بسیار خوبی برای امت اسلامی باشد. به نظر می رسد که چند نکته عامل ایجاد چنین شرایط مناسبی شده است (صدیقی^۲، ۲۰۰۲).

۱. نارضایتی گسترده از عملکرد نظام بانکی ربوی متعارف بعد از جنگ جهانی دوم.
 ۲. بیداری مسلمانان برای بازبانی عظمت گذشته امت اسلامی بر مبنای آموزه های دین اسلام.
 ۳. گرایش روزافزون جهان به اخلاقیات و معنویت (سوله، ۲۰۰۷).
- نباید این نکته فراموش شود که مسلمانان بخش اعظم معادلات جهانی را در بر گرفته اند. بنابراین انگیزه و تقاضای بالقوه زیادی در سطح جهانی برای نظام بانکی اسلامی موجود است.

بانکداری اسلامی در ایران

بی تردید نظام اقتصادی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیشروترین نظام در به کارگیری مفاهیم و الگوهای اسلامی در اقتصاد بود و طی این سه دهه نیز که از آغاز انقلاب اسلامی سپری می شود، بسط و گسترش استفاده از روش های اسلامی در سیاست ها و مناسبات اقتصادی، همواره یکی از اهداف و دغدغه های دولتمردان ما بوده و همچنان نیز هست. ناظر بر همین مسائل و اهمیت غیر قابل انکار نظام بانکی، با فاصله زمانی اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای عملیات بانکداری اسلامی در کشور به عنوان یک ضرورت مطرح و از سوی مدیران و مسئولان انقلاب پیگیری شد. این حرکت که با ملی شدن بانک های خصوصی رژیم ساقط شده پهلوی همراه بود، سر انجام در دهم شهریور ۱۳۶۲ به تدوین و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا انجامید (صاحب فصول، ۱۳۹۰). اقتصاد کشور ایران مانند تمامی اقتصادهای دنیا متشکل از بازارهای پولی، مالی، سرمایه و ... بوده

1. karasik, t, wehrey, f, strom, s
2. Siddiqi

که اساس قانونمندی دینی بر آنها حاکم و قابل اجرا است و بر اساس تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا تمامی اصول اسلامی بر سیستم بانکی ایران حاکم گردیده است. حال با توجه به تمامی عوامل مذکور انتظار داریم که نه تنها اذهان دنیا بلکه اذهان اقتصاد جهانی نیز همیشه در کنار ایران، اسلام را به صورت هویدا مشاهده نموده و از اقتصاد ایران به عنوان اقتصادی اسلامی یاد برند لزوم وجود این تفکر، تحقق قوانین اسلامی در زیر مجموعه‌های اقتصاد از جمله نظام پولی و بانک‌ها می‌باشد.

ایران کشوری است با وسعتی حدود ۱,۵ میلیون متر مربع و با حدود ۷۷ میلیون نفر جمعیت که دین رسمی این کشور اسلام می‌باشد. حدود ۹۸ درصد مردم ایران دارای دین اسلام بوده لذا اساس کار و مناسبات این کشور با اصول اسلامی گره خورده است و این امر برای تمامی دنیا محرز می‌باشد. مذهب اسلام تنها امری شخصی و خصوصی نبوده لذا در درون تمام مناسبات روزمره زندگی مردم ایران نسوخ نموده است و مواردی که از نظر اسلام ممنوع می‌باشد در ایران از لحاظ قانونی نیز جرم بوده و مستحق مجازات اسلامی است که از آن جمله به اموری مانند شرط‌بندی، شراب‌خمر، ربا و ... میتوان اشاره نمود.

۱- عقود اسلامی در عملیات بانکی بدون ربا ایران

تحقق رفاه عمومی و برقراری عدالت اقتصادی از اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌باشد و بدون تردید ترسیم و اجرای این نظام موجب زدودن پدیده شوم فقر از سطح جامعه می‌شود. یکی از گام‌های اساسی برای تحقق این مقصود، تغییر نظام بانکی و حذف بهره از پیکره آن و استفاده از عقود اسلامی قابل تطبیق با نظام بانکداری است. به طور کلی عقود اسلامی در سیستم بانکی به چهار گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

قرض الحسنه، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات) و عقود مبادله‌ای و سرمایه‌گذاری مستقیم. سرمایه‌گذاری مستقیم از نظر آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است و گاهی جزء این دسته قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی این عقود می‌پردازم.

۱-۱- قرض الحسنه

قرض الحسنه، عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می‌کند که قرض گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید. قرض الحسنه از مصادیق قرض غیر ربوی محسوب می‌گردد و بسیاری از احکام قرض درباره قرض الحسنه نیز جاری است. تمایز آن دو از یکدیگر در این است

که در قرض الحسنه نیازمند بودن وام گیرنده و انگیزه معنوی و اخروی وام دهنده دو رکن اساسی از ارکان آن به شمار می‌روند. اسلام در مناسبات اقتصادی خود، به نوع دوستی، توازن و تعادل اجتماعی و افزایش اجر و پاداش اخروی توجه ویژه دارد (رفیعی، ۱۳۸۵).

۲-۱- عقود مشارکتی

در این شیوه بانک با استفاده از منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری و دیگر منابع بانک، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز فعالان اقتصادی را از راه قراردادهای مشارکتی چون مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات تامین می‌کند و با آنان در سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی شریک می‌شود. در این شیوه، بانک در جایگاه صاحب سرمایه یا شریک سرمایه‌گذار بوده و مطابق موازین شرعی و قانونی پیامد‌ها و مخاطره‌های فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری را به عهده می‌گیرد (موسویان، ۱۳۸۵).

۳-۱- عقود مبادله‌ای

در این شیوه، بانک‌ها با استفاده از منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری و دیگر منابع بانک، با متقاضیان تسهیلات وارد قراردادهای مبادله‌ای چون فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و جعله می‌شوند. این قراردادها ماهیت تملیکی داشته، براساس نرخ‌های سود معین به متقاضیان، تسهیلات بانکی داده می‌شود. در این شیوه، بانک در جایگاه موسسه انتفاعی با سود معین با متقاضی تسهیلات وارد معامله می‌شود و حاصل آن، بدهی مدت دار مشتری است که طبق زمان بندی مشخصی باید پرداخت شود (همان). به طور کلی عقود مبادله‌ای دارای ویژگی‌های زیر هستند (موسویان، ۱۳۸۴):

ا. انتفاعی بودن قرارداد: قراردادهای مبادله‌ای همگی انتفاعی هستند. بانک از محل انجام این قراردادها کسب سود می‌کند.

ب. معین بودن سود قرارداد: افزون بر انتفاعی بودن قرارداد، نرخ سود بانک از محل این قراردادها معین است؛ برای مثال، بانک می‌تواند تصمیم بگیرد تمام قراردادهای مبادله‌ای خود را برای سال خاص یا فصل خاصی با نرخ‌های معین قرارداد ببندد؛ چنان‌که می‌تواند برای همه بخش‌ها یا همه قراردادهای از یک نرخ یا چند نرخ معین به صورت ترجیحی استفاده کند.

ج. تملیکی بودن قرارداد: در قراردادهای مبادله‌ای بعد از پایان قرارداد، طبق ضوابط هر قرارداد، عوضین به ملکیت طرفین در می‌آید و رابطه بانک با گیرنده تسهیلات، رابطه بستانکار و بدهکار است.

د. عدم نیاز به نظارت و کنترل: در قراردادهای مبادله‌ای مسؤولیت بانک در احراز صحت قرارداد خلاصه می‌شود و بعد از آن به نظارت و کنترل چگونگی بهره‌برداری از تسهیلات گرفته شده از بانک نیازی نیست. بانک فقط مسؤولیت دارد با دریافت تضمین کافی از بازگشت منابع مطمئن شود.

۴-۱- سرمایه گذاری مستقیم

در این شیوه، بانک‌ها بخشی از منابع را در فعالیت‌های مستقیم اقتصادی چون ساخت بزرگراه‌ها، تونل‌ها و دیگر پروژه‌های بزرگ زیربنایی سرمایه‌گذاری، و ارزش افزوده طرح‌ها و پروژه‌ها را به صورت سود بانک و سپرده‌گذاران لحاظ می‌کنند. در این شیوه نیز بانک در جایگاه صاحب سرمایه و سرمایه‌گذار، مسؤولیت‌ها و مخاطره‌های فعالیت اقتصادی را عهده دار می‌شود (موسویان، ۱۳۸۵). شیوه سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند در تأمین مالی طرح‌های مهم و زیربنایی کشور - که دولت به جهت کسری بودجه توان تأمین مالی آنها را ندارد - شیوه مفید و موثری باشد و بدون تحمیل آثار تورمی به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند.

موفقیت بانکداری اسلامی در کشورهای دیگر و دلیل موفقیت

پاکستان: روند اسلامی کردن سیستم بانکی پاکستان از سال ۱۹۷۹ آغاز گردید. در نوامبر ۱۹۷۷ شورای جهان بینی اسلامی پاکستان، گروهی از اقتصاددانان و خبرگان امور بانکی را تعیین کرد. اعضای هیئت یاد شده گزارش خود را در فوریه ۱۹۸۰ به شورای جهان بینی اسلامی پاکستان تسلیم کرد. در جهت تطبیق کامل گزارش یاد شده با اصول اسلامی، شورا اصلاحات و تعدیلات لازم را در آن معمول و پس از حک و اصلاح و آماده شدن کامل آن گزارش آماده شده را در ژوئن ۱۹۸۰ به ریاست جمهوری پاکستان ارائه نمود (میر جلیلی، ۱۳۷۴).

برای رشد بانکداری اسلامی در پاکستان بانک مرکزی این کشور سه استراتژی را به طور پیگیر در دستور کار خود قرار داده است: (تقی‌زاده، ۱۳۹۱)

ا. تاسیس بانک‌های کاملاً اسلامی نوپا با مشارکت بخش خصوصی

ب. ایجاد بانک‌های تجاری به عنوان مکمل بانک‌های اسلامی

ج. ایجاد یک باجه مخصوص عملیات بانکداری اسلامی در تمام شعب بانک‌های تجاری

برای ایجاد بانک‌های تجاری مکمل در چهارم نوامبر ۲۰۰۲ قوانین جدیدی به تصویب رسید که مهم‌ترین اصل آن این است که عملیات بانکداری می‌بایست تماماً براساس دستورات اسلام تأکید شده در قرآن و سنت باشد. بر همین مبنا بانک‌های تجاری اجازه یافتند که در کنار عملیات

بانکداری اسلامی به فعالیت بپردازند (طاهری، ۱۳۸۵).

قواعدی که توسط بانک های اسلامی پاکستان برای اعطای تسهیلات پذیرفته شده است را در چهار گروه می توان ارائه کرد: (حسن زاده، ۱۳۸۵)

ا. اصل تسهیم سود و زیان

ب. اصل مبتنی بر هزینه و دستمزد

ج. اصل خدمات بدون بهره

د. اصل تابعه کمکی

بانک دولتی پاکستان یک مکانیزم جامع و قوی برای مطابقت با شریعت ارائه نموده است تا اعتماد مشتریان و سرمایه گذاران به صنعت بانکداری اسلامی را جلب کند. این مکانیزم سه رکن اصلی دارد یک هیات شریعت در بانک دولتی پاکستان سیاست ها و دستورالعمل ها و همچنین معیار های مناسب برای مشاورین را تعیین و تایید می کند، مشاورین شریعت در تمام بانک ها آنها را (بانک ها را) هدایت می کنند و آسایش خاطر مشتریان در مورد خدمات مالی اسلامی را تامین می کنند. (تقی زاده، ۱۳۹۱).

مالزی: داشتن تعداد زیادی مشتری و شعبه، عرضه گسترده ای وسیع از خدمات، تامین تعامل با بازار اسلامی پولی و همچنین، نظام بانکداری اسلامی باید با ارزش های اجتماعی و اقتصادی اسلامی سازگار بوده و در صورت و معنا اسلامی باشد (آذری نیا، ۱۳۸۵).

مالزی از چند مفهوم بانکداری اسلامی در طرح بانکداری بدون ربا استفاده می کند که با وجود تفاوت های اسمی در عنوان با مفاهیم مورد استفاده در عقود اسلامی بانکداری بدون ربا در ایران ماهیتا منطبق می باشد (فرجی، ۱۳۸۴). سایر مفاهیم استفاده شده در بانکداری اسلامی مالزی شامل: ودیعه با ضمانت، مشارکت، مرابحه، بیع دین، استجار می باشد. نکته قابل توجه در بررسی منابع و مصارف بانکداری اسلامی مالزی این است که بانک در استفاده از منابع مالی جهت اعطای تسهیلات متنوع به متقاضیان دارای اختیار بیشتری است. بانک می تواند به صلاحدید خود کلیه وجوه حاصل از عقود ودیعه (جاری و پس انداز) را مورد استفاده قرار دهد و تنها ملزم به تطابق تامین مالی با اصول شریعت می باشد. همچنین عقد مضاربه در حساب های سرمایه گذاری معنای وسیع تری دارد و به مصارف بازرگانی و محدودیت زمانی منحصر نمی شود (تقی زاده، ۱۳۹۱).

انگلستان: در بین کشورهای غیر اسلامی، کشور انگلستان در دهه اخیر توجه بسیار زیادی به مقوله فراهم نمودن زمینه های قانونی برای تاسیس بانک ها و موسسات مالی اسلامی نموده است. انگلیس نخستین کشور غربی است که به تاسیس بانکداری خرد براساس قوانین اسلام اقدام نمود (احمد^۱،

۲۰۰۸). در اگوست ۲۰۰۴ اولین بانک اسلامی در سطح خدمات خرد که تمامی فعالیت هایش را در چارچوب اسلامی تنظیم نموده بود، با عنوان بانک اسلامی انگلستان تاسیس شد. (موسویان و همکاران، ۱۳۹۳). بانک های اسلامی در انگلستان خدمات حساب های پس انداز و حساب های سپرده بلندمدت ارائه می نمایند. این بانک ها وجوه را در تجارت و فعالیت های مورد قبول شریعت اسلامی سرمایه گذاری کرده و سود حاصل از سرمایه گذاری را بین مشتریان و بانک تقسیم می کنند. همچنین بانک ها این خدمات را به سرمایه گذاران غیر مسلمانی نیز که ترجیح می دهند از فعالیت هایی مانند تنباکو و الکل اجتناب نمایند، عرضه می نمایند. بانک های اسلامی انگلستان محصولات مالی مختلفی ارائه می دهند که عبارتند از:

وام خرید مسکن، تامین سرمایه های مسکن امانه، تامین مالی مسکن و برنامه خرید مسکن که همگی وام های رهنی اسلامی هستند.

حساب جاری، پس انداز / حساب امانه اسلامی، حساب دانش آموزی اسلامی، تامین سرمایه شخصی.

تامین مالی تضمین شده، تامین مالی اسلامی (حساب مشترک اسلامی)، سهام خصوصی و مشاوره گروهی، مشاوره در زمینه قوانین شریعت، مدیریت دارایی ها، تامین مالی پروژه، تامین مالی تجارت، مدیریت مالی، پس انداز و برنامه های سرمایه گذاری بلندمدت.

خدمات بازارهای مالی (شامل انتشار صکوک و تامین سرمایه صنفی)، مسکن، ارائه محصولات و خدمات سرمایه گذاری مطابق با شریعت به افراد و شرکت ها. (تقی زاده ۱۳۹۱)

همچنین بریتانیا فعال ترین و پیشرفته ترین بخش بانکداری اسلامی را در اتحادیه اروپا داشته و دروازه ورودی تامین مالی اسلامی می باشد (عبدالرحیم، ۲۰۱۰). بانک اسلامی بریتانیا خدمات حساب های پس انداز، حساب های سپرده بلند مدت (خزانه) ارائه می نماید. بانک فوق این پول ها را در تجارت و فعالیت مورد قبول شریعت اسلامی سرمایه گذاری می کند. سود حاصل از سرمایه گذاری بین مشتریان و بانک تقسیم می شود. همچنین بانک ها به سرمایه گذاران غیر مسلمانی که ترجیح می دهند از فعالیت هایی مانند تنباکو و الکل اجتناب نمایند این خدمات را نیز عرضه می نمایند. وام های شخصی (خرد) نیز براساس تنظیم کارمزد متقیر قابل استفاده هستند.

اردن: از ویژگی های خاصی که در بانک اسلامی اردن مشهود است. می توان به عدم پرداخت سود قطعی به سپرده ها یاد کرد و در بانک اسلامی اردن پرداخت سود به صورت مشاع است و در پایان سال با حسابرسی صورت گرفته این سود به شکل دقیق و جزء به جزء به حساب سپرده گذاران واریز می شود. یک هیئت مشاوره شرعی نیز وجود دارد. این هیئت مشاوره که علاوه بر مشاوره

نظارت بر سیستم بانک اسلامی اردن را بر عهده دارد در مسائل مستحدثه بانکی و شرعی این هیئت نظر کارشناسی خود را ارائه می‌کند. عدم پذیرش قانون جریمه‌های تاخیر یکی دیگر از ویژگی‌های بانکداری اسلامی اردن می‌باشد جریمه تاخیر از منظر مشهور علمای اسلامی مذموم و حرام تلقی شده است. همچنین بانک اسلامی اردن از قراردادهای معقول‌تری برای دادخواهی مشتریان علیه بانک برخوردار است. برخوردار است (توکلی، ۱۳۸۰).

کویت: بانک‌های اسلامی در کویت به طور معمول به پذیرش انواع مختلف سپرده‌گذاری‌ها به شکل‌های جاری، پس‌انداز یا حساب‌های سرمایه‌گذاری با شرایط معین و برنامه‌های هدفگذاری شده در قالب قراردادهای منطبق بر شریعت از جمله مرابحه، مشارکت و مضاربه، اقدام می‌نمایند. به طور کلی، انعطاف‌پذیری عقود اسلامی در این کشور بستر گسترده‌ای را برای تأمین مالی متقاضیان مهیا می‌نماید و از سوی دیگر وجود ابزارهای مختلف و نوآورانه مطابق با شریعت اسلامی در عرضه خدمات بانکداری اسلامی موجب جذب مسلمانان و حتی غیرمسلمانان و رشد بانکداری اسلامی با وجود ریسک بازدهی یک‌سان نسبت به سایر بانک‌های متعارف گردیده است (محرابی، ۱۳۹۳). در کشور کویت گرچه بانک مرکزی در حوزه قانونگذاری در رابطه با موسسات مالی اسلامی فعال می‌باشد، اما در حوزه نظارت شرعی نقش خاصی بر عهده نداشته و این امر را به طور کامل به کمیته‌های شریعت که در موسسات مالی به فعالیت مشغول هستند واگذار نموده است. در خصوص ساختار گزارش دهی نیز، براساس قانون بانک مرکزی کویت، کمیته‌های شریعت در موسسات مالی اسلامی، موظف به تکمیل و ارائه گزارش شریعت به مجمع عمومی می‌باشند. همچنین لازم است این گزارش‌ها، در گزارش‌های سالانه‌ای که بانک‌های اسلامی تهیه می‌کنند، وجود داشته باشد. (میسمی و همکاران، ۱۳۹۱)

امارات متحده عربی: اصول بانکداری اسلامی در کشور امارات بر اساس اصول قرآن و سنت بنا شده است. بانکداری اسلامی در امارات مشتمل بر بانکداری شعبه‌ای، بانکداری مشارکتی، بانکداری خصوصی و بانکداری الکترونیک است که همواره سعی می‌کنند از فناوری‌های نوین برای رضایت مشتریان استفاده نمایند. در مجموع، امارات یکی از پیشروان منطقه خلیج فارس در زمینه بانکداری اسلامی است و هم‌اکنون حدود ۸ بانک اسلامی و دو سازمان مالی اسلامی (به منظور حمایت مالی) در این کشور فعالیت می‌کنند. همچنین این کشور با همکاری بانک اسلامی امارات به تأسیس کرسی‌های تخصصی مطالعات بانکداری اسلامی با هدف تقویت و توسعه مهارت‌های دانشجویان و آینده‌شغلی آنان در حوزه خدمات مالی و بانکی به ویژه امور مالی — اسلامی اقدام نموده است (محرابی، ۱۳۹۳).

مشکلات و نارسایی های ساختار فعلی بانکداری بدون ربا ایران

۱- حاکمیت نگاه صرفا فقهی به بانکداری اسلامی

یکی از چالش هایی که نظام بانکداری بدون ربا در کشور با آن مواجه است، مشکل غلبه دیدگاه فقهی صرف در حوزه تدوین مقررات، دستورالعمل ها، آیین نامه ها و عقود مرتبط با بانکداری اسلامی است. منظور از دیدگاه فقهی صرف، دیدگاهی است که فقط بر حل مشکلات فقهی در عمل، توجه دارد و به اهداف، اصول و مبانی نظام اقتصاد و مالیه اسلامی توجه مشخصی ندارد (صدیقی، ۱۳۸۷).

۲- نقض در تامین عدالت توزیعی

یکی از مهم ترین ارکان نظام بانکداری اسلامی برقراری عدالت توزیعی در جامعه اسلامی است. در واقع لازم است نظام بانکداری و مالیه اسلامی در کشور به گونه ای اصلاح شود که تمام افرادی که شایستگی دریافت تامین مالی را دارند، بتوانند از آن بهره مند باشند. متأسفانه وضع موجود نظام بانکی در کشور در این زمینه چندان رضایت بخش نیست. ناچیز بودن وام های پرداختی قرض الحسنه، استفاده از سپرده های قرض الحسنه پس انداز در فعالیت های سود آور اقتصادی و غیره، همگی نشانه ای از بی توجهی به عدالت توزیعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور است (چیرا^۱، ۲۰۰۲).

۳- چالش صوری بودن اجرای بانکداری بدون ربا

منظور از صوری بودن این است که طرفین قرارداد، گرچه واقعا قراردادی که امضا می کنند، عنوان یکی از عقود شرعی را دارد، لیکن در عمل هیچ گونه مضاربه ای اتفاق نیفتاده و فقط فاکتور ها و برگه هایی جابه جا می شود. چرا که براساس اصل فقهی بسیار مهم، عقود، تابع قصود و اهداف طرفین است و اگر طرفین قصد جدی در انجام معامله نداشته باشند، معامله ای انجام نخواهد شد و فقط دریافت پول و باز پرداخت آن به مبلغ بیشتر مورد توجه طرفین قرار می گیرد که این بی تردید رباست (میسمی و قلیچ، ۱۳۹۰).

۴- چالش های مرتبط با قانون بانکداری بدون ربا

به رغم نقاط قوتی که در قانون بانکداری بدون ربا موجود است، نقاط ضعف مختلفی نیز در آن وجود دارد. به عنوان مثال در قانون کنونی، هیچ تفکیکی بین قرض بدون بهره و قرض الحسنه در نظر گرفته نمی شود. نتیجه آن است که تمامی سپرده های جاری و پس انداز براساس عقد قرض الحسنه تعریف شده اند. این در حالی است که عقد قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی دارای ویژگی تبریعی (خیرخواهانه) بودن است و نیت فرد می بایست نوعی ایثار باشد. بنابراین اگر فردی برای بهره برداری از خدمات مالی، حساب جاری افتتاح کند و یا اینکه به منظور دستیابی به جوایز بانکی،

حساب پس انداز افتتاح کند، گرچه قرض بدون بهره به بانک داده است، لیکن نمی توان نام آن را قرض الحسنه نهاد (موسویان، ۱۳۸۵).

۵- نقض در درک و تفهیم کلیات بانکداری اسلامی و عقود بانکی

اجرای صحیح عقود شرعی در نظام بانکی نیازمند آن است که مدیران و کارکنان بانک های کشور به درستی، اصول مالییه اسلامی و همچنین تعاریف و ماهیت عقود بانکی را درک کرده (فهم) و بتوانند آن را به صورت مختصر و با بیانی ساده به سپرده گذاران و دریافت کنندگان وجوه نیز توضیح دهند (تفهیم). متأسفانه در حال حاضر، در اکثر موارد نه سپرده گذاران و نه سرمایه گذاران (و اغلب حتی کارمندان و مدیران بانک) درک مشخصی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف نداشته و نقل و انتقال وجوه فقط محدود به امضای چند قرارداد شده است. این مسئله به شدت سبب تردید در صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی می شود (عیوضلو، ۱۳۸۷).

۶- نبود راه حلی جامع در مسئله تاخیر پرداخت

با آن که یکی از چالش های مهم نظام بانکداری بدون ربا در کشور مسئله باز پرداخت مطالبات بانکی است، لیکن در واقع هنوز راهکار مشخصی به منظور حل مشکل بازپرداخت که هم از نظر اقتصادی قابل قبول باشد و هم با اصول فقهی در تعارض نباشد، طراحی نشده است (موسویان، ۱۳۸۹).

۷- بی توجهی به نظارت شرعی

مسئله نظارت بر بانک های اسلامی، به دلیل ماهیتی که دارند در برخی موارد، ابعاد خاصی پیدا می کند. یکی از این موارد مسئله ریسک شریعت است. منظور از ریسک شریعت خطری است که نظام بانکی را از ناحیه انطباق نداشتن فعالیت هایی که در آن انجام می شود با اصول بانکداری بدون ربا و قوانین مرتبط، تهدید می کند. متأسفانه در کشور ما، هیچ نهادی مسئولیت نظارت شرعی در نظام بانکداری را به صورت مشخص بر عهده نداشته است. این امر باعث شده است در مواردی بی شمار برخی عملیات بانکی با اصول بانکداری اسلامی تطابق نداشته باشد (میسمی، قلیچ، ۱۳۹۰).

۸- چالش های نهادی، ساختاری و سازمانی

شاید مهم ترین چالش اجرای صحیح بانکداری بدون ربا در کشور، مشکلات نهادی، ساختاری و سازمانی است. در حال حاضر بانک های کشور به منظور اجرای صحیح عقود مختلف نیاز به سازماندهی خاصی دارد. افزون بر این نظام آموزش علم اقتصاد و مدیریت مالی در کشور و تربیت استادان و کارشناسان و مدیران اجرایی در حوزه علوم اقتصاد و بانکداری اسلامی با ضعف و نارسایی هایی همراه است، از جمله این که عامه مردم با اصول و قوانین بانکداری اسلامی آشنایی چندانی ندارند و این برداشت نادرست در بین بسیاری از مردم وجود دارد که دریافت و پرداخت هر نوع نرخ

سود ثابت در نظام بانکی ریاست (میسمی، عیوضلو، ۱۳۸۸).

۹- آموزش، تحقیق و توسعه

آموزش و تحقیق و توسعه برای گسترش و تعمیق کلیه حوزه های علوم ضروری است. بانکداری اسلامی هم جزو رشته های جدید محسوب می شود که بسیار جای کار دارد. مشکل هنگامی بروز می کند که آشکار می شود مدیران و کارکنان بانک های اسلامی چندان به مسائل شرعی واقف نیستند و عالمان دینی هم به مسائل تخصصی مالی و اقتصادی واقف نیستند. سوگمندها باید گفت کسانی که در هر دو حوزه متخصص باشند، بسیار اندک اند (اقبال و همکاران، ۱۹۹۸). در چنین شرایطی لازم است که از یک سو دوره های تخصصی برای طلبه های علوم دینی در زمینه مالی و اقتصاد گذاشته شود و از سوی دیگر با ایجاد مراکز و دوره های آموزشی متعدد کارکنان آشنا با مسائل مالی و مذهبی برای انجام امور مدیریتی و عملیاتی تربیت شوند (اقبال، ۱۹۹۷).

۱۰- مسدود شدن نقدینگی

از لحاظ نظری، نقد شدن دارایی های بانک های اسلامی، با احتمال بسیار کمتری نسبت به بانک های سنتی تحقق می یابد. همچنین نوسان های بیشتر در نرخ نقدینگی، به طور معناداری روی توانایی بانک های اسلامی برای فراهم کردن اعتبار بخش خصوصی اثر می گذارد و این امر، در جه نقدینگی بیشتری را برای هر نوع سرمایه و سپرده گذاری در بانک های اسلامی نسبت به بانک های سنتی نشان می دهد. در مجموع، احتیاج های سرمایه ای بانک های اسلامی باید بیشتر باشد تا سپرده گذاران را در مقابل زیان های غیر قابل پیش بینی مجموع سرمایه گذاری ها حمایت کند. زیرا که افزایش ذخیره های قانونی و احتیاطی، ایمنی بیشتری را فراهم می کند (سارکر، ۲۰۰۴). سه علت عمده برای اینکه بانک های اسلامی در جهان باید به مسئله نقدینگی توجه کنند به صورت ذیل است: (عبدالحمید، ۲۰۰۱)

۱. کمبود بازارهای ثانویه برای دارایی ها

۲. سررسید کوتاه مدت برخی سپرده ها

۳. نبود قرض دهنده نهایی مانند بانک مرکزی

در جهت رفع این مشکل، راهکارهایی مطرح شده است. به طور مثال، عقیلی کرمانی به بحث مدیریت ریسک می پردازد. جهت کاهش ریسک نقدینگی به طور معمول اگر بانک نتواند احتیاج های کوتاه مدت نقدینگی خود را از راه فروش گواهی های سپرده تامین کند، با وثیقه گذاردن قسمتی از دارایی های خود آن قدر منابع تجهیز می کند تا بتواند تعهد های خود را به موقع بپردازد. در باره

1. Iqbal, M. Ahmad, A. Khan, T

2. Iqbal, Z

3. Abdul Hamid

ریسک عملیاتی با استخدام کارمندان و پرسنل قابل اعتمادتر و با تجربه تر می توان آن را کاهش داد. برای ریسک بازار نیز باید از ابزارهای مهندسی مالی مالکیت (سرمایه گذاری مستقیم و مشارکت)، بدهی (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک)، مشتقه (قول نامه و بیع الوفا) و ترکیبی (قولنامه خرید سهام) استفاده می شود (اکبریان، رفیعی، ۱۳۸۶).

مشکل دیگر، تعیین سود و زیان و تقسیم آن بین سپرده گذاران بانک های اسلامی به ویژه در سرمایه گذاری های بلندمدت مثل مضاربه و مشارکت است. با تغییر در جریان نقدی مورد انتظار، ارزش سرمایه گذاری های بلندمدت همانند هزینه فرصت سرمایه نوسان خواهد داشت و در غیاب بازار فعال در این سرمایه گذاری ها، فرایند ارزشیابی خیلی هزینه بر و نامشخص می شود (کاربری^۱، ۲۰۰۴). اگر بانک بخواهد این مشکل را به درستی مدیریت کند، ناگزیر باید در انتخاب طرح ها و پیشبرد آنها تا مرحله بهره برداری و بعد از آن، به وسیله کارشناسان با تجربه نظارت و کنترل کند و این امر به صورت طبیعی برای بانک های تجاری غیر ممکن است و اگر بانک بخواهد در عرصه های گوناگون سرمایه گذاری به تناسب، کارشناسان خبره استخدام کند، هزینه عملیاتی به شدت افزایش می یابد و هزینه تمام شده سرمایه در بانکداری بدون ربا بیشتر می شود (کرمانی، ۱۳۸۱).

مشکل دیگر بحث مالکیت بانک هاست. به ویژه قدرت خلق اعتبار بانک های تجاری با نرخ ذخیره جزئی سبب برانگیخته شدن بحث عمومی یا خصوصی بودن بانک ها می شود. از نظر منتقدان بانکداری اسلامی، موضوع مالکیت بانک های اسلامی هنوز دچار ابهام هایی است (سارکر، ۲۰۰۴). اغلب محققان اسلامی در این موضوع اتفاق نظر دارند که ممکن است در وضع خاصی چون موقعیت جنگی و محاصره اقتصادی، مدیریت بانک ها دولتی شود و حتی می توان در وضعیت استثنایی، با استفاده از عقد های خاصی، تمام منابع را هم به مالکیت دولت درآورد چنانکه می توان در وضع عادی و رقابت سالم بازارها، از جمله بازار پول و سرمایه، مالکیت منابع و مدیریت بیشتر یا همه بانک ها (غیر از بانک مرکزی) را به بخش خصوصی سپرد و دولت فقط از راه بانک مرکزی و با اعمال قوانین و اجرای سیاست های پولی به نظارت، کنترل و هدایت بانک ها بپردازد (موسویان، ۱۳۸۴).

راهکارهای پیشنهادی

در اینجا به بیان راهکارهای پیشنهادی با توجه به تجربه موفق سایر کشور های جهان در اجرای صحیح بانکداری اسلامی، برای رفع موانع بانکداری اسلامی در ایران می پردازیم.

۱- نظارت فعال بانک مرکزی بر تامین اهداف اقتصاد اسلامی در عمل و جلوگیری از عملیاتی

شدن فرایندها، روش ها و شیوه هایی که با کلیات بانکداری اسلامی در تعارض اند، هرچند فاقد مشکل فقهی باشند.

۲- نظام بانکی به ارائه وام و تسهیلات به قشر های مختلف جامعه و همچنین مناطق مختلف کشور (به ویژه مناطق محروم) توجه بیشتری کند و همچنین نظام بانکی ارتباط مشخصی با بانک قرض الحسنه و صندوق های قرض الحسنه برقرار کند.

۳- برای رفع مانع صوری بودن معاملات می توان از راهکار های زیر استفاده نمود:

أ. ارائه عقود اسلامی به صورت متنوع به سرمایه گذاران به گونه ای که انگیزه برای وارد شدن در معاملات صوری کاهش یابد.

ب. در نظر گرفتن وظیفه نظارت شرعی برای واحد نظارت بانک مرکزی و ارائه ابزارها و تصویب قوانین مورد نیاز.

ج. فرهنگ سازی و تفهیم این نکته به ذی نفعان نظام بانکی که صوری سازی قراردادها موجب بطلان عقود و عدم امکان تصرف متقاضی در وجوه می شود.

۴- برای رفع چالش مرتبط با قانون بانکداری بدون ربا نیز:

أ. تفکیک قانونی حساب های قرض الحسنه از حساب های قرض بدون بهره.

ب. توسعه قانونی ابزار های مالی اسلامی در حوزه تجهیز تخصیص منابع.

ج. ارائه ابزارهای شرعی و قانونی مناسب جهت ارتباط با بانک های متعارف و اسلامی در سطح بین المللی.

۵- نقض در درک و تفهیم کلیات بانکداری اسلامی و عقود بانکی تشکیل کمیته های فقهی در شعب مرکزی تمامی بانک های فعال در اقتصاد کشور (همانند اکثر بانک های اسلامی فعال در سایر کشور ها) یکی از وظایف مهم این کمیته ها معرفی عقود مختلف به ذینفعان نظام بانکی است. برگزاری دوره های آموزشی برای مدیران و کارمندان بانکی توسط کمیته مشورتی بانکداری اسلامی در بانک مرکزی.

۶- چالش های نهادی پیشنهاد می شود بانک مرکزی با همکاری دولت محترم، مقدمات تشکیل موسسات تقویت کننده در نظام بانکداری اسلامی در کشور را فراهم کند. مانند موسسات نظارت بر اجرای عقود مختلف و موسسات پیگیری مطالبات معوق و غیره. نهاد های آموزشی و پژوهشی بانک مرکزی با ارائه دوره های تحصیلات تکمیلی برای دانشجویان و همچنین برگزاری دوره های تخصصی برای مدیران، زمینه های اصلاح نظام آموزش رشته اقتصاد و مدیریت مالی را در کشور فراهم کند.

الگوی تفکیک بانک‌ها از مؤسسه‌های قرض‌الحسنه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری

الگوهای بانکداری زیادی بعد از دهه ۱۹۸۰ در سطح بین‌المللی مطرح گردید، برخی الگوها بانک‌ها را موظف می‌سازند حساب‌های معاملاتی خود را با اوراق کوتاه مدت خزانه پشتیبانی کنند (توبین، ۱۹۸۵؛ کاریکن، ۱۹۸۶؛ اسپونگ، ۱۹۹۱؛ میشکین، ۱۹۹۹؛ توماس، ۲۰۰۰) و برخی بانک‌ها را ملزم می‌سازند سپرده‌های خود را صرفاً، در اوراق دولتی یا ارزش بالا یا اوراق دولتی تضمین شده با سررسیدهای متفاوت سرمایه‌گذاری کنند (لایتن، ۱۹۸۷؛ هرینگ و لایتن، ۱۹۹۵). برخی به بانک اجازه می‌دهند که از سپرده‌های تضمین شده برای اعطای وام‌های کوتاه مدت به متقاضیان از ابزار امن شده شامل اوراق منت‌شره‌ی شرکت‌های خدمات مالی استفاده کند. (پیرس، ۱۹۹۱). برخی معتقدند محدوده‌ی دارایی‌های تضمین شده باید به گونه‌ای وسیع شود که شامل سبد متنوعی از بدهی‌های کوتاه مدت و با ارزش بالا گردد (مرتون و بودنی، ۱۹۹۳؛ اسپونگ، ۱۹۹۳).

الگوی تفکیک توسط اقتصاددانان اسلامی و صاحب‌نظران بانکداری اسلامی از جمله موسویان، داودی، سبحانی، محقق نیا و... مطرح گردید. الگوی تفکیک به معنای جدا سازی خدمات بانکی اعم از ارائه حساب‌های جاری و خدمات مربوط به سیستم پرداخت‌ها از سرمایه‌گذاری و سپرده‌های سرمایه‌گذاری و مدت دار است. به عبارت دیگر تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری مد نظر است. در این صورت خدمات بانکی همچون افتتاح سپرده جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه و نقل و انتقالات مالی و به طور کلی سیستم پرداخت‌ها می‌بایست از واسطه‌گری بانک در سرمایه‌گذاری جدا شود (محقق نیا، ۱۳۹۳). الگوی تفکیک را شامل بانک سرمایه‌گذاری، قرض‌الحسنه و لیزینگ و تفکیک عقود مطرح می‌کنند. در ادامه، پژوهش الگوی تفکیک را به صورت اجمالی بیان می‌گردد این الگو برگرفته از رساله دکتری محمد جواد محقق نیا با عنوان "ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگوی بانکداری اسلامی برای جمهوری اسلامی ایران" با استاد راهنمای دکتر پرویز دادودی و مشاوران: حجه الاسلام و المسلمین دکتر مصباحی مقدم و دکتر صمصامی می‌باشد. تبیین کامل این الگو را به مجالس دیگر وامی‌گذاریم و این الگو را مناسب جهت تحقق اهداف بانکداری اسلامی در ایران پیشنهاد می‌گردد.

۱- بانک‌های قرض‌الحسنه

بانک‌های قرض‌الحسنه از طریق حساب‌های جاری و قرض‌الحسنه پس‌انداز به تجهیز منابع پرداخته، اقدام به سپرده‌پذیری از مشتریان می‌کنند. این بانک‌ها تمامی منابع خود را پس از کسر ذخایر قانونی و نقدینگی، به صورت قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و تنها مجاز به دریافت کارمزد هستند. در تجهیز و تخصیص منابع، تنها از عقد قرض‌الحسنه استفاده می‌نمایند.

تسهیلات قرض الحسنه برای تامین نیازهای اساسی استفاده می گردد (صمصامی، داودی، ۱۳۸۹).
تجهیز و تخصیص منابع در موسسات قرض الحسنه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. صندوق ها و موسسه های قرض الحسنه

تخصیص منابع			تجهیز منابع		
سود	رابطه حقوقی	نوع تسهیلات	سود	رابطه حقوقی	نوع سپرده
کارمزد	قرض بدون بهره	وام قرض الحسنه	صفر	قرض بدون بهره	سپرده قرض الحسنه پس انداز

۲- صندوق ها و موسسات سرمایه گذاری

این نهاد، متولی پاسخ گویی به همه نیازهای تأمین مالی به جز قرض الحسنه است. کارکرد اصلی این نهاد، واسطه گری بین صاحبان سرمایه های خرد و متقاضیان وجوه مالی برای تأمین مالی فعالیت های اقتصادی است. مبنای عملیات این صندوق ها به صورت سپرده پذیری و اعطای وام نیست. شناسایی دقیق انواع نیازهای تأمین مالی افراد و یا بنگاه های متقاضی منابع مالی، تعیین ابزار تأمین مالی اسلامی متناسب با هر نیاز و در نهایت، انتشار اوراق ذی ربط و ارائه آن به افراد دارای مازاد وجوه مالی که علاقه ای به سرمایه گذاری دارند، مبنای عملکرد این نهاد می باشد (سیحانی، ملکی، ۱۳۹۲).
در جدول ۲ تجهیز و تخصیص منابع در بانک ها و موسسات سرمایه گذاری نشان داده شده است.

جدول ۲. صندوق ها و موسسات سرمایه گذاری

تخصیص منابع			تجهیز منابع		
سود	رابطه حقوقی	نوع تسهیلات	سود	رابطه حقوقی	نوع سپرده
متغیر	شرکت	۱. مشارکت مدنی	متغیر	وکالت عام	۱. گواهی سپرده عام
متغیر	شرکت	۲. مشارکت حقوقی	متغیر	وکالت خاص	۲. گواهی سپرده خاص
متغیر	—	۳. سرمایه گذاری مستقیم	متفاوت	شکل های متفاوت	۳. منابع دولت

۳- شرکت های لیزینگ

لیزینگ یکی از شیوه های قانونمند کسب درآمد بر اساس قوانین اسلامی است. در این شیوه یک دارایی واقعی مانند دستگاه، اتومبیل، کشتی و یا یک خانه می تواند از سوی موجر به مستاجر برای دوره معین در قبال قیمت معین اجاره داده شود. هزینه و منفعت در این معامله

به صورت روشن و آشکار در قالب قرارداد اجاره قید می‌شود. از این شیوه بانک‌های بسیاری در کشورهای اسلامی استفاده می‌کنند. بانک توسعه اسلامی (آی دی بی^۱)، بانک اسلامی مالزی و تعدادی از بانک‌های تجاری در پاکستان این شیوه را به کار می‌گیرند. براساس قرارداد اجاره یا لیزینگ یک بانک اسلامی یک دارایی را براساس مشخصات و خواسته‌های مشتری خریداری می‌کند و آن را با توافق طرفین ضمن تعیین مدت اجاره و میزان اجاره به مشتری اجاره می‌دهد. مشخصات و طبیعت دارایی مورد اجاره نیز به هنگام تعیین اجاره و زمان اجاره مورد نظر قرار می‌گیرد. در طول مدت لیزینگ مالکیت دارایی در اختیار اجاره‌دهنده (بانک) است. بانک این حق را دارد که این مالکیت را به اجاره‌کننده (مستاجر) انتقال دهد. در پایان مدت اجاره دارایی مجدداً به بانک تحویل داده می‌شود. لیزینگ در معاملات مالی اسلامی از ظرفیت‌های بسیاری برخوردار است و بانک‌های اسلامی شیوه‌های مختلف آن را به مرور تجربه کرده و به کار می‌گیرند (علی نژاد، ۱۳۸۸).

جمع بندی

به دلیل گسترش روزافزون فعالیت‌های بانکی و درگیر شدن هرچه بیشتر مسائل اقتصادی با نظام بانکی موضوع بانکداری اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. در سال‌های گذشته بانکداری اسلامی توانسته است توجه جهانیان را بیش از پیش به خود جلب نماید و تقاضا برای بانک‌های اسلامی و نهاد‌های مالی اسلامی به خصوص در سال‌های اخیر روندی رو به رشد داشته است. ویژگی بانکداری اسلامی، حذف ربا همراه با تاکید بسیار بر توزیع عادلانه تر درآمد و ثروت و خودداری از ورود به حیطه‌ها و عملیات نامشروع و نامطلوب می‌باشد به گونه‌ای که امروزه در اکثر کشورهای اسلامی و حتی برخی از کشورهای غیرمسلمان بانک‌های بدون ربا حضور جدی دارند. از این رو هدف این پژوهش شناسایی و ارثه راهکارهایی به منظور رفع موانع و چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی در ایران است براین اساس برآن شدیم که با وجود محدودیت‌های پیشرو با استفاده از شیوه‌ای علمی و با بضاعت اندک خود و استفاده از تجربه کشورهای مختلف در زمینه بانکداری اسلامی، و همچنین با استفاده از نظر متخصصان و خبرگان در این حوزه به گوشه‌ای از مشکلات موجود در این زمینه پرداخته و جهت رفع این مشکلات راهکارهایی را شناسایی و پیشنهاداتی را ارائه دهیم، باشد که مفید و مثمر واقع گردد. براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان پی برد که نظام بانکی کشور در شرایط فعلی از جایگاه خوب و شایسته‌ای برخوردار نیست و ناتوان از انجام وظایف خود به طور صحیح و مناسب می‌باشد. مهم‌ترین راهکار جهت تحقق

اهداف بانکداری اسلامی در اقتصاد اسلامی ایران تجدید ساختار نظام اقتصادی کشور با استفاده از آموزه های اسلام و دستیابی به نظام اقتصاد اسلامی و پس از آن تجدید ساختار نظام بانکی کشور براساس موازین شرعی اسلام می باشد. در پژوهش حاضر سعی بر آن شد که به بررسی جامعی از مهم ترین مشکلات کنونی نظام بانکداری اسلامی در ایران با استفاده از تجربه کشورهای مختلف پرداخته شود و راهکارهایی برای رفع مشکلات ذکر گردد یکی از مهم ترین چالش ها مطابقت قوانین بانکداری با قوانین شریعت است که باید از طریق تشکیل کارگروه نظارت شرعی، تحت اداره نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری در بانک مرکزی و تلفیق شورای فقهی بانک مرکزی با آن رفع شود از دیگر چالش ها، مشکلات نهادی و سازمانی است که پیشنهاد می شود بانک مرکزی با همکاری دولت در رفع آن عمل کند. همچنین فعالیت بانک های اسلامی پرخطرتر از فعالیت بانک های غیر اسلامی می باشد لذا باید بانک های اسلامی دقت بیشتری را در فعالیت های مالی خود مبذول دارند همچنین در کلیه زمینه های قانون، آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی و روش های اعطای تسهیلات و ارائه خدمات باید بازنگری صورت گیرد تا از وضعیتی که در حال حاضر، بر نظام بانکداری اسلامی حاکم است، خارج شویم و با گام های بلند به اهداف بانکداری اسلامی نایل آییم. مهم ترین دستاورد و پیشنهاد پژوهش حاضر ارئه الگوی تفکیک بانک ها از مؤسسه های قرض الحسنه و شرکت های سرمایه گذاری برای اقتصاد ایران می باشد. براساس این الگو نظام بانکداری ایران به سه دسته : بانک های قرض الحسنه، صندوق ها و موسسات سرمایه گذاری و لیزینگ تقسیم می شوند و این بانک ها براساس موازین شرعی به واسطه گری و تجهیز و تخصیص منابع در جامع اسلامی ایران می پردازند.

منابع و مأخذ

- آذری نیا، محمد علی (۱۳۸۵)، مالزی کشوری با دو نظام بانکی مستقل. روزنامه سرمایه، شماره ۲۶۶.
- اکبریان، رضا، حمید رفیعی (۱۳۸۶)، بانکداری اسلامی، چالش‌های نظری و عملی و راهکارها. مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۲۶.
- بانکداری اسلامی تهدیدها و فرصت‌ها (۱۳۹۰)، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۵، صفحه ۱۶ تا ۱۸.
- تقی زاده، خدیجه (۱۳۹۱)، بانکداری اسلامی در برخی از کشور های جهان. مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی شماره های ۶ و ۷، صفحه ۸۰-۴۷.
- توکلی، محمد جواد (۱۳۸۰)، بررسی بانکداری بدون ربا در کشور اردن و مقایسه اجمالی آن با چارچوب بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران. شماره ۴۱، صفحه ۸۲-۷۷.
- حسن زاده، علی (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی کارایی و عوامل موثر بر آن در نظام بانکداری اسلامی. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- حسن زاده، علی (۱۳۹۰)، مروری بر تجربیات موفق بانکداری اسلامی در جهان، مطالعه موردی مالزی. تازه های اقتصاد، شماره ۱۳۲.
- داودی پرویز، محقق نیا محمد جواد (۱۳۸۷) "بانکداری محدود" جستارهای اقتصادی، شماره ۱۰ رفیعی، رضاعلی (۱۳۸۵)، قرض الحسنه در فقه اسلامی و نظام بانکی. مریان، شماره ۲۱.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۸۵)، شناسنامه بانکداری اسلامی در جهان. (ترجمه مسعود رضا طاهری)، شماره ۲۳۴۸.
- زرندی مقدم، محسن (۱۳۹۰)، نقد و نظر درباره بانکداری اسلامی. مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۵، صفحه ۳۷-۲۵.
- سبحانی، حسن، منصور ملکی (۱۳۹۲)، محدودیت های بانکداری مشارکتی و لزوم تفکیک نهادی کارکرد تامین مالی در جهت اصلاح نظام بانکداری اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۵.
- سپهری، کامران (۱۳۸۸)، رقابت موفقیت آمیز بانکداری اسلامی. بانک و اقتصاد، شماره ۱۰۱.
- شعبانی احمد، علی عادل رستخیز (۱۳۹۱)، تحلیل تطبیقی ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا در قالب عقود اسلامی، تحقیقات مالی اسلامی، سال دوم، شماره اول.
- صاحب فصول، سروش (۱۳۹۰)، بانکداری اسلامی، هست ها و باید ها. تازه های اقتصاد، ویژه نامه بانکداری اسلامی.
- صدر، شهید سید محمد باقر (۱۳۸۹)، ساختار بانک در جامعه اسلامی. (ترجمه سید یحیی علوی)،

- مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره های ۹ و ۱۰. صمصامی، حسین، پرویز داودی (۱۳۸۹)، به سوی حذف ربا از نظام بانکی، تهران، دانایی توانایی. عقیلی کرمانی، پرویز (۱۳۸۱)، مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا. مجموع مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری. علی نژاد، بهزاد (۱۳۸۸)، اصول بانکداری اسلامی. توسعه صادرات، شماره ۸۰. عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی شماره ۲۹. فراهانی فرد، سعید (۱۳۷۷)، مسئله شناسی بانکداری اسلامی. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما. فرجی، یوسف، حمیدرضا فتحی آشتیانی (۱۳۸۴)، بررسی مقایسه ای ابزارهای تامین مالی در بانکداری اسلامی ایران و مالزی. مجموعه مقالات برگرفته از پایان نامه های منتخب کارشناسی ارشد، موسسه عالی بانکداری ایران. قلیچ، وهاب (۱۳۸۹)، بازشناسی نظام بانکداری اسلامی، ما در میانه راه هستیم. مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۰۶، صفحه ۴۷-۴۳. محرابی، لیلا (۱۳۹۳)، واکاوی روش های تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی کشور های مختلف. مجله اقتصادی، شماره های ۳ و ۴، صفحات ۹۴ - ۶۵. محقق نیا، محمد جواد، داودی، پرویز، مصباحی مقدم و صمصامی، (۱۳۸۸) "ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگوی بانکداری اسلامی برای جمهوری اسلامی ایران" رساله دکتری علامه طباطبایی (ره) . محقق نیا، محمد جواد، سعید احمد ابراهیمی، لیلا محرابی (۱۳۹۳) راهکارهای ارتقاء عملیات بانکداری بدون ربا، بیست و پنجمین همایش بانکداری اسلامی، شماره ۳. محقق نیا، محمد جواد (۱۳۹۳)، الگوی بانکداری اسلامی. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم). مهدوی نجم آبادی، سید حسین (۱۳۸۲)، ساختار بهینه نرخ های سود در اقتصاد اسلامی با تاکید بر این ساختار در بانکداری اسلامی. چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی. موسویان، سید عباس (۱۳۸۴)، ارزیابی قراردادهای و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹. موسویان، سید عباس (۱۳۸۵)، الگوی جدید بانکداری بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۳.

- موسویان، سید عباس (۱۳۸۸)، مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی شماره ۳۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۹)، جریمه تاخیر تادیه. پژوهشکده پولی و بانکی، تهران.
- موسویان، عباس، حسین میسمی (۱۳۹۳)، نظارت شرعی بر بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- میر جلیلی، سید حسین (۱۳۷۴)، ارزیابی بانکداری بدون ربا. وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران.
- میسمی، حسین، حسین عیوضلو (۱۳۸۸)، بررسی ضرورت و نحوه به کارگیری رویکرد تلفیقی در اصلاح نظام آموزش علوم انسانی، با تاکید بر اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، شماره ۶۱.
- میسمی، حسین، سید عباس موسویان، محسن عبدالهی، حامد امرالهی (۱۳۹۱)، تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور. دو فصلنامه علمی و تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲، صفحه ۹۱-۵۳.
- میسمی، حسین، وهاب قلیچ (۱۳۹۰)، ارزیابی چالش‌های اجرای بانکداری بدون ربا در کشور. تازه‌های اقتصاد، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی.
- وارن ادواردز (۱۳۸۵)، بانکداری اسلامی، دریچه‌ای به سوی آینده / مشابهت‌ها یا نزدیکی‌های بانکداری اسلامی با بانکداری سنتی. (مترجم سید حسین علوی لنگرودی)، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۷۳.
- والی نژاد، مرتضی (۱۳۸۲)، نگاهی اجمالی به نظام مالی در اقتصاد اسلامی و فلسفه وجودی بانکداری اسلامی. بانک و اقتصاد، شماره ۳۷.
- Abdul Hamid, Abdul Halim, 2001: A Study on Islamic Banking Education and Strategy for the Millennium Malaysian Experience, International Journal of Islamic Financial Service, Vol. 5, No. 2.
- Abdullrahim, Najat, 2010: Service Quality of English Islamic Banks, Bournemouth University.
- Ahmad, Waseem, 2008: Islamic Banking in the United Kingdom: Opportunities and Challenges, Kingston Business School.
- Ajlouni, Moh'd Mahmoud (2012) Islamic Banks: Legitimacy, Principles and Applications, Third Edition, Dar Al-Maseerah. Amman, Jordan.
- Al-jarhi, 2002 Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option, Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
- Chapra, Umer, Ahmed, Habib, 2002: Corporate governance in Islamic financial institutions, Islamic development bank, Jeddah.
- Chishti, Saleem U, 1985, Relative Stability of Interest-Free Economy, in Journal of Research in Islamic Economics (Jeddah), King Abdulaziz University, Vol.

- 3, no. 1.
- Herring, Richard, and Robert Litan, *Financial Regulation in the Global Economy*, Brookings Institution, 1995.
- Iqbal, M.Ahmad, AKhan, T, 1998: *Challenges Facing Islamic Banking*, Islamic research and training institute, islamic development bank ,occasional paper no.1.
- Iqbal, Z, 1997: *Islamic financial system* :world bank, finance and development.
- Karasik ,T, Wehrey ,F, Strom,S, 2007: *Islamic Finance in a Global Context: Opportunities and Challenges*, Chicago Journal of International Law.
- Karbhari, Yusuf & Naser, Kamal & Shahin, Zerrin, 2004: *Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West: The Case of the UK*, Thunderbird International Business Review, Vol. 46 (5).
- Kareken, John H. "Ensuring Financial Stability", *The Search for Financial Stability: The Past Fifty Years* (San Francisco, Federal Reserve Bank of San Francisco), 1985.
- Litan, Robert E. *What Should Banks Do?*, (Washington, D. C.: The Brookings Institution), 1987a.
- Merton, Robert C., & Zvi Bodie, "Deposit Insurance Reform: A Functional Approach", *Carnegie Rochester Conference Series on Public Policy*, June 1993, 38.
- Mills, Paul S. and John R. Presley, 1999, *Islamic Finance: Theory and Practice*, London: Macmillan.
- Obada, Ibrahim AbdelHaleem (2008) *Performance Measures in Islamic Banks*, Dar Al-Nafa'es. Amman, Jordan.
- Pierce, James L. "Financial Reform in the United States and the Financial System of the Future", *Financial Innovation and Monetary Policy: Asia and the West*, Proceedings of the Second International Conference Held by the Bank of Japan, ed. Yooshi Suzuki and Hiroshi Yomo (Tokyo, University of Tokyo Press, 1986).
- Sarker, Abdul Awwal, 2004: *Islamic banking in Bangladesh: Performance, problems & prospects*, *International Journal of Islamic Financial Services*. Vol. 1 No.3.
- Siddiqi, M, Nejatullah, 2002: *Comparative Advantages Of Islamic Banking And Finance*, Presented at Harvard University Forum on Islamic Finance.
- Solé, Juan, 2007: *Introducing Islamic Banks into Conventional Banking Systems*, International Monetary Fund, IMF Working Paper.
- Spong, Kenneth. *Narrow Banks: An Alternative Approach to Banking Reform*, Division of Bank Supervision and Structure, Federal Reserve Bank of Kansas City, Working Paper, No. 90, April 1993.
- Thomas, H. "A Proposal to Deregulate Banking", *The Cato Journal*, 2000, 20: 2.
- Tobin, James. "Financial Innovation and Deregulation in Perspective", *Bank of Japan Monetary and Economic Studies*, 1985, 3.
- Wilson, Rodney, 1997: *Economics, Ethics and Religion*, New York: New York University Press.

